

# رایانه و کلاس چندپایه

محمد رضا حشمتی

استان آذربایجان شرقی در مجله رشد معلم، به تبریز رفتیم. در آنجا، وقتی صحبت از کلاس چندپایه و پژوهش به میان آمد، دوستان از مدرسه‌های نام بردند که در روستای «یالقوز آغاج» منطقه ترکمانچای واقع است. مقرر شد برای بازدید از مدرسه و تهیه گزارش برای مجلات رشد به منطقه سفر کنیم و با نوآوری‌های آقای سیروس میرزازاده، مدیر آموزگار دبستان شهدای یالقوز آغاج، بیشتر آشنا شویم. در روز پنج‌شنبه نوزدهم مردادماه ساعت ۶ صبح از تبریز خارج شدیم و مسیر میانه را طی کردیم. پس از عبور از منطقه قره‌چمن، به طرف کوه‌هایی رفتیم که محلی‌ها به آن‌ها «بزقوش» می‌گفتند. تابلوی «۷ کیلومتر تا پژوهش‌سرای سیروس میرزازاده» را دیدیم و پس از مدتی، در ورودی روستای یالقوز آغاج به مدرسه شهدای یالقوز آغاج رسیدیم.

وارد کلاس درس که شدیم، چیدمان کلاس و وجود دو دستگاره رایانه و امکانات جانبی مانند اسپیکر، پرینتر لیزری، انواع هدفون‌ها، بانک سی‌دی‌ها و دی‌وی‌دی‌های آموزشی مربوط به

اسم کلاس‌های چندپایه را زیاد شنیده بودم اما درک درستی از شکل و چگونگی اداره این کلاس‌ها نداشتم. اولین بار در اردیبهشت ماه سال ۹۱ در منطقه سیلوانای استان آذربایجان غربی یک کلاس چندپایه کانکسی را از نزدیک دیدم و با چگونگی مدیریت درس توسط معلم آشنا شدم. در آن کلاس، وقتی معلم برای بچه‌های سوم درس جابه‌جایی در عمل ضرب را توضیح می‌داد، دانش‌آموزان کلاس‌های اول و دوم مشغول انجام دادن تکلیف یا خودخوانی بودند. نمونه دوم مدیریت یادگیری در کلاس چندپایه را در منطقه اشنویه، روستای چهل آسیاب در طرح درس تلفیقی آقای ابراهیم خالدی دیدم، که با هنرمندی تمام دروس مطالعات اجتماعی، علوم، ریاضی و هنر را برای همه ۱۰ دانش‌آموز کلاس، که پایه اول تا چهارم بودند، ارائه کرد و هر دانش‌آموزی هم با توجه به پایه تحصیلی‌اش از درس بهره برد.

اول خرداد ماه امسال برای گفت‌وگو با مسئولان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی برای تدارک ویژه‌نامه



کنترل کردن ورودی‌ها و خروجی‌ها شد تا بتواند مشکل را برطرف کند. (همیشه مشکلات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مهمان ناخوانده برنامه‌های ما هستند). محمدرضا به نتیجه نرسید و آقای میرزاده از پشت رایانه، فیش‌های مربوطه را کنترل کرد و پس از مدتی مشکل برطرف شد. براساس برنامه موجود روی سی‌دی، بند (پاراگراف)هایی که برای دیکته در نظر گرفته شده بود، تعیین شد و تعداد تکرار هم دو بار مشخص گردید. دانش‌آموزان کلاس سوم پس از شنیدن جملات مشغول تایپ آن‌ها شدند. به کمک رایانه دیگر هم برنامه قرآن بارگذاری شد و ریحانه (کلاس چهارم) مشغول شنیدن قرآن و تکرار آرام آیات برای خودش شد.

سجاد و ابوالفضل هم مشغول ورق زدن مجله رشد شدند. سکوت بر کلاس حاکم بود و هر کس کار خودش را انجام می‌داد. آیدیس (کلاس اول) به کنار تابلو آمد؛ آقا معلم با چوب بلندی که در دست داشت، نشانه‌های حروف را مشخص می‌کرد و آیدیس اسامی و نوع نشانه‌ها را بیان می‌کرد. پس از مرور نشانه‌ها، آیدیس پای تابلوی گچی ایستاد تا کلماتی را که ما از او می‌خواستیم، بنویسد. او با گچ قرمز روی تابلوی سبز کلاس می‌نوشت. پس از ۱۵ دقیقه، دانش‌آموزان کلاس سوم اعلام کردند که دیکته‌شان تمام شده است و فایل مربوط را ذخیره کرده‌اند. محمدرضا فلشی را به هم‌کلاسی‌های خود داد تا دیکته نوشته شده را روی آن کپی کنند. بعد هم، با نصب فلش روی رایانه اصلی، از دیکته‌های نوشته شده پرینت تهیه کرد و در اختیار ما قرار داد.

وسایل سخت‌افزاری این مدرسه را دانش‌آموزان قدیمی مدرسه که امروز مشغول فعالیت در رشته‌های شغلی خود هستند تهیه و هدیه کرده‌اند اما استفاده مطلوب از نرم‌افزارها و امکانات جانبی نیازمند تیزبینی و دقتی است که نظیر آن را تاکنون در کسی غیر از آقای سیروس میرزاده ندیده‌ام.

همه کلاس‌های دوره ابتدایی توجهمان را جلب کرد. علاوه بر آن‌ها، دو تابلوی گچی، مغناطیسی و ماژیکی و همچنین ویدئو پروژکتور که در سقف کلاس خودنمایی می‌کرد. با وجود تعطیلات تابستانی، مدرسه برای آموزش قرآن و بازی بچه‌ها دایر بود. دانش‌آموزان یکی یکی وارد مدرسه و کلاس می‌شدند و فعالیت‌های خودشان را انجام می‌دادند. پس از بازدید از قسمت‌های مختلف مدرسه و کلاس‌های دیگر - که گزارش مفصل آن را می‌توانید در مجله رشد معلم، شماره بهمن ماه سال ۹۶ بخوانید- از آقای سیروس میرزاده خواستیم درباره امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موجود در کلاس برایمان بیشتر توضیح دهد. ایشان با چهره‌ای خندان گفت: «در نظر دارم برای شما ۵۰ دقیقه یک مدرسه چندپایه را اجرا کنم.» دانش‌آموزان براساس پایه‌های تحصیلی در نیمکت‌های خود مستقر شدند. قرار شد برنامه به شکل زیر باشد:

کلاس اول (آیدیس): خواندن حروف و نوشتن کلمات  
کلاس دوم (سجاد و ابوالفضل): خودخوانی از مجله رشد نوآموز

کلاس سوم (محمدرضا، سبا و ریحانه): نوشتن املا از درس شانزدهم

کلاس چهارم (ریحانه): تمرین روخوانی و روان‌خوانی قرآن بچه‌های میهمان - دانش‌آموزانی که از سایر شهرها برای گذراندن تعطیلات به روستا آمده بودند و از کلاس‌ها و امکانات مدرسه استفاده می‌کردند - هم در کنار دانش‌آموزان مدرسه بشینند.

روی دیوارهای جنوبی و شمالی مدرسه سیم‌کشی شده بود و دانش‌آموزان با وصل کردن هدفون‌ها به سیم‌ها می‌توانستند صدا را به خوبی بشنوند. به این ترتیب، دانش‌آموزان کلاس‌های سوم و چهارم با لب‌تاپ‌های خود در محل همیشگی‌شان مستقر شدند. دانش‌آموزان کلاس سوم وارد نرم‌افزار Word شدند. آقای میرزاده سی‌دی مربوط به کلاس سوم را در درایو قرار داد. هر سه دانش‌آموز آماده تایپ دیکته خود بودند که سبا داد زد. «آقا معلم، من صدا ندارم.» محمدرضا به سرعت مشغول

